

آزار جنسی کودکان و چند پرسش فقهی



مصاحبه با اعتمادآنلاین ۹۶.۱۱.۸

جرایم خلاف عفت چگونه در دادگاه قابل اثبات است؟ به طور کلی در این موارد سه راه وجود دارد؛ اول آنکه خود متهم اقرار کند و دوم آنکه بینه و شهادت وجود داشته باشد و سوم آنکه با توجه به قرائن و شواهد و مستندات قاضی به اطمینان و علم برسد. راه سوم را اکثر فقها از آن جمله امام خمینی قبول دارند. باتوجه به شرایط سختی که برای اثبات از راه شهود وجود دارد، آیا لازم است در همه موارد چهار مرد عادل در صحنه حاضر بوده و از آنچه دیده اند در دادگاه شهادت دهند؟ همه موارد این طور نیست. اگر شهادت برای حد زنا و لواط باشد، این شرایط لازم است، ولی برای اثبات مراحل پایین تر این اعمال منافی عفت، از قبیل بوسیدن یا لمس از روی شهوت، که مجازات آن جنبه تعزیری دارد، شهادت 2 نفر کافی است و همانطور که اشاره کردم، قاضی بر اساس شواهد و قرائن اطمینان آور هم می تواند حکم به مجازات کند. لذا محدودیتی از جنبه اثبات جرم وجود ندارد. آیا مسئله سوء استفاده جنسی از کودکان در منابع فقهی ما مطرح شده است؟ بله. در روایات این موضوع آمده است و از نظر فقها این عمل یک گناه کبیره است که حاکم شرع حکم تعزیر برایش صادر می کند. مثلاً مرحوم کلینی در کتاب کافی این روایت را آورده است که پیامبر فرمود: کسی که نوجوانی را از روی شهوت می بوسد، خداوند در قیامت بر دهان او لجامی از آتش می زند «مَنْ قَبِلَ غُلَامًا مِنْ شَهْوَةٍ أَلْجَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَلْجَأُ مِنْ نَارٍ» آیا علنی و آشکار کردن این نوع جرائم از نظر فقه اسلامی مجاز است؟ بازگو کردن این گونه فحشاء، خلاف شرع است و حتی کسی که مرتکب آن می شود، نباید آن را به دیگران اعلام کند و قهراً این نوع مسائل نباید به بیرون از دادگاه کشیده شود، چه اینکه پی گیری این مسائل هم مصداق تجسس حرام است، ولی در عین حال چند تبصره در این جا وجود دارد: تبصره اول این است که اگر افرادی که مورد آزار جنسی و هتک حرمت قرار گیرند؛ مظلوم واقع شوند، طبق نص قرآن حق دارند که آن ظلم و ستم را افشا کنند: «لَا يَجِبُ لِلَّهِ الْجَهْرُ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ» لذا فقها فرموده اند که مظلوم مجاز است از ظالم غیبت کند، یعنی همان غیبت کردن و افشاء کردن بدی دیگری که برای دیگران حرام است، برای کسی که مورد ظلم قرار گرفته، جائز است. تبصره دوم آن است وقتی یک کار خلاف عفت، مصداق ظلم و تعدی باشد، هرکسی که از آن آگاهی کافی داشته باشد، وظیفه دارد که از مظلوم حمایت کند و البته حمایت از ظلم و موضع گیری در برابر ظلم راه های مختلفی دارد و بخشی از این مسئولیت بر عهده رسانه عمومی است. چون برخی از این گونه جرائم، فراتر از جنبه خصوصی، دارای ابعاد عمومی است که اگر در برابر آن حساسیت لازم نشان داده نشود، به شیوع فساد می انجامد. آیا رأی دادگاه از نظر میانی فقهی فصل الخطاب است؟ بله حکم محکمه صالحه، فیصله بخش دعوا است و هیچ کس جز حاکم شرع نمی تواند، مبادرت به صدور حکم کند ولی این حق برای شاکی وجود دارد که نسبت به صلاحیت محکمه یا روند رسیدگی به اتهام اعتراض کند، چه اینکه همه صاحب نظران فقهی و حقوقی می توانند، رأی صادره از دادگاه را از نظر شکلی یا ماهوی مورد بررسی و نقد قرار دهند، علاوه بر این اگر احتمال اعمال نفوذ نسبت به دادگاه وجود داشته باشد، پرداختن به موضوع، دیگر پرداختن به یک موضوع خصوصی نیست و مشمول تجسس حرام نمی باشد. در پایان اضافه کنم به نظر بنده در جرائمی که به نوعی پای دین در میان است و سوءاستفاده از موقعیت مذهبی تلقی می شود حکومت باید سخت گیری مضاعفی داشته باشد. اصولاً در مجازات اسلامی این نکته مورد توجه است که جرم در زمان خاص مثل ماه رمضان یا مکان خاص مثل حرم که هتک حرمت دینی تلقی می شود کیفر سخت تری دارد. اقدام خلاف عفت در لباس دین داری ضربه سختی به اعتبار این لباس است و چون موضوع مهم است حتی شائبه جانب داری از متهم به حیثیت حکومت دینی لطمه می زند. لینک این مصاحبه

تاریخ انتشار: 2018-01-28 20:25:01 | شناسه مطلب: 389